



انقلابی به سبک خودش

درباره جاذبه‌های داخلی و بیرونی انقلاب اسلامی ایران

♦ برنارد لویس

عصر «فناثر» در انقلاب‌ها حتی بیشتر از دیگر اشکال فعالیت‌های سیاسی به چشم می‌خورد و گویا آن کز سرده جهالتی الفاظی همچون «همایش»، «صحف»، «فشی» و حتی «باز بگر» در بیان رویدادهای مربوط به انقلاب است البته انقلابیون از این عصر نمایشی آگاهی دارند حتی برخی انقلابیون از جمله کارل ماركس، از الفاظی نظیر «کمدی» و «قیضه» برای توصیف فعالیت‌های انقلابی استفاده کرده‌اند اما نمی‌توانیم که این الفاظ برای توصیف انقلاب ایران به کار رفته باشد.

نمایشنامه‌نویسان و بازیگران از مخاطبان و تماشاگران خود در حال و آیدما گاه هستند و این آگاهی بر شخصیت‌های انقلابی نمایش در هنگام نگاشتن کارگردانی، تفسیر و ایفای نقش‌شان تأثیر می‌گذارد اصولاً فناتر انقلاب، «مشاور کنی» است و چیزی بیش از تفاهم معمول بین بازیگران و تماشاگران را می‌طلبند تأثیر گذاری آن به دانش و همدلی مخاطبان بستگی دارد که صرفاً تماشاگر و ناظر نیستند تماشاگر - خواه بیننده تر از دی، یونانی باشد خواه بیننده نمایش‌های ژانری آنه^۱ نمایش سایه ترکی یا مصری نمایش عروسکی یا پانچ و چودی^۲ انگلیسی یا هرتسورن^۳ آمریکایی - ترچه‌ها باشد اصول و کلیات هر رنگ

نمایش، شخصیت‌ها و بازیگران نقش‌های خیر و شر و ماحصل مطلوب و در واقع اجتناب‌ناپذیر داستان را بداند نمایشنامه‌نویس، کلر گزبان و بازیگر می‌توانند به یک مرجع مشترک و مهم تراز آن به اشارات و خاطرات مشترک متوسل شوند نمایش‌هایی را می‌توانند به ذهن متبادر کنند که احساس علاقه‌مندی، همدردی و نهایتاً مشارکت مشتاقانه تماشاگر را بدست آورند. طی ۲۰ سال گذشته انقلاب روسیه و فرانسه، الگوهای اصلی و موفق انقلاب در جهان و نقش زا کوپن‌ها و بلشویک‌ها جزء موثرترین نقش‌ها بوده‌اند. در سده ۱۹ و اوایل قرن بیستم بسیاری از رهبران انقلابی گوش جدعان یا توجه به اوضاع و احوال متفاوت کشورشان، نقطه اوج بلشویک‌ها، تصرف زندان بلستیل و اعلام جمهوری را مجدداً اجرا کردند سپس از سال ۱۹۱۷، برخی رهبران انقلابی کوشیدند گاه با کمک «هتر سلسن» و گاه بدون کمک او، سنلروری انقلاب بلشویک‌ها را اجرا کنند.

این مدل‌ها عمدتاً در جوامعی بیشترین تأثیر گذاری را داشتند که با کشورهای فرانسه و روسیه دارای میراث مشترک اشارات و نمادها بودند نمادهایی که از بطن فرهنگ اروپایی و منشأ نهایی سنت‌های یونانی-رومی و یهودی-مسیحی برخاسته‌اند. در دورانی که

اروپا قدرت برتر جهان بود، برخی انقلابیون غیراروپایی و بلندپرواز نیز از این نمادها و اشارات جسترگانه‌اند. ضد رژیم‌های حاکم خود و سپس ضد سلطه‌گران اروپایی‌شان بهره‌چسبند البته جنبش‌هایی تحت نام جنبش‌های انقلابی در سرزمین‌های اسلامی پدید آمد که آغاز آن به انقلاب‌های پارسی و ترکی سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۸ بازمی‌گردد. این جنبش‌ها پس از عقب‌نشینی بریتانیا و فرانسه و فروپاشی و انحلال رژیم‌هایی که بریتانیا و فرانسه به آنها قدرت تفویض کرده بودند ادامه یافت.

در سال‌های آغازین قرن بیستم، مدل فرانسوی انقلاب در میان نخبگان متمایل به غرب در خاورمیانه رواج یافت و بین مدل‌ها در دوران پسین جنگ و پس از جنگ از سوی چند نمونه بر خاسته از کشورهای شرق و سپس جنوب و مرکز اروپا تکمیل شد. حیات عمومی بر کشورهای مسلمان با نظام جدید ارزش‌ها و اماندهای منبعث از قدیسه و گذشته اروپایی غنی‌تر شد البته اکثر استفاده از این واژه در این مورد صحیح باشد.

انقلاب اسلامی در ایران که در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید و از آن زمان همچنان جانش بزرگی برای دیگر رژیم‌های سرزمین‌های اسلامی محسوب می‌شود، از هیچ‌یک از این نمادها بهره

نمی‌گیرد. نزد روحانیون و طرفداران ایشان در ایران، نه فوجیل و نه متون کلاسیک لاتین و یونانی، نه زا کوپن‌ها و نه بلشویک‌ها نه پارسی و نه پترو گراد هیچ یک مدل قابل استفاده یا نماد یادآورنده خاصی ارائه نمی‌کنند البته این بدان معنا نیست که رژیم اسلامی ایران فاقد این قبیل نمادها و ارزش‌هاست اسلام از کتب مقدس و متون کلاسیک خود بر خوردار است و تاریخ اسلام، مدل‌های خاص خود را برای انقلاب معرفی می‌کنند توصیه‌ها و رهنمودهای خود را در باب نظریه و شیوه عمل، مخالفت یا فرامشی، مقاومت و انقلاب و حافظه خاص خود را در خصوص انقلاب‌ها دارد که برخی موفقیت‌آمیز بوده و برخی دیگر به ناکامی و شهادت انجامیده‌اند بنابراین، انقلاب اسلامی را در این بستر اسلامی اندیشه و عمل و خاطرات و نمادها باید بررسی کرد و شاید بتوان آن را جزو این بستر درک کرد.

در ابتدا باید آبروسش مقدماتی مطرح و به آن پاسخ داده شود. آیا انقلاب اسلامی ایران، به معنای مستفاد در جهان غرب به یک انقلاب واقعی است و اگر چنین است چرا انقلاب «اسلامی» نام گرفته است؟ زمانی بود که واژه «انقلاب» معنای تغییر و تحول ژرف و دست‌خوار در حکومت و شاید در جامعه را در بر داشت و از گونه‌های تحول دوران - باز در امور بشری حکایت می‌کرد. در چنین بستر و سیاقی بود که انگلیسی‌های قرن هفدهم از نخستین انقلاب ملی راستین سخن به میان آوردند و فرانسوی‌ها و آمریکایی‌های قرن هجدهم و روس‌ها و چینی‌های قرن بیستم به تحولات و دیگر گونه‌های اساسی در کشورهای خود اشاره کردند.

از آن پس، واژه «انقلاب» مانند بسیاری چیزهای دیگر در جهان، دست‌خوش تحولات مستمر شده و امروزه برای بیان هر گونه تغییر و نوآوری چیزی و کوچک به کار می‌رود. اکنون واژه «انقلاب» در غرب عمدتاً برای بیان تغییر و توسان هادی در سبک زندگی، روش‌های تولید یا بازی‌های استفاده می‌شود این کلمه جای دیگر برای اشاره به گونه خشونت‌آمیز قبضه کردن قدرت که قبلاً «کودتا» نامیده می‌شده به کار می‌رود. بیشتر اوقات انقلاب به وسیله گردان تلک‌ها و توسط گروهی انسر نظامی انجام می‌شود که دفتر کار رئیس جمهور یا نخست‌وزیر، دفتر مرکزی سیستم تلفن و دفتر تلگراف شهر و چند نقطه استراتژیک دیگر را به انضال خود در می‌آورند و رژیم جدیدی اعلام می‌کنند که توسط شورایی (به اصطلاح) انقلابی فرماندهی یا به عبارت دیگر توسط گروه نظامیان اداره می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران در سبک و سیاق خود به اندوه انقلاب فرانسه یا انقلاب روسیه اصالت دارد آنچه در ایران اتفاق افتاد - که خوب یا بد آن بعدها مشخص خواهد شد - به معنای کلاسیک کلمه یک انقلاب نیست جنبشی مردمی یا حضور جمع کثیری از مردم که به تغییر اساسی قدرت سیاسی و اقتصادی کشور منتج شد و آغاز کننده (یا صحیح‌تر بگوییم، تداوم‌بخش) روند تحول عظیم اجتماعی شد. انقلاب اسلامی ایران نیز همچون سایر انقلاب‌ها از مقاطع آمادسازی و تلنگر قبلی بر خوردار بود و انتقال قدرت صرفاً حکم «صحف» و اداگت آنچه بیشتر اتفاق افتاده بوده معرف این صحنه و صحنه انقلاب موجب تسهیل انتقالات پدید شد. انقلاب اسلامی ایران از ناخشنودی و ناراضی‌های گسترده مردم به پا خاست و اعتقالات پرشور ایشان، الهام‌بخش آن بود و امیدواری شدیدی همان‌ها را به جلو برد و البته تا شکل گیری و توسعه کامل آن و تاریخی که بتوان ماهیت و پیوندهای آن را مشخص کرد، باید راه طولانی را طی کرد.

انسان ها از امتیاز راه و روش خود کرده است. البته مقاومت در برابر راه و روش های اسلامی نیز در جای خود قوی بوده است، به طور کلی اسلام در تأثیرگذاری بر برخی حوزه های زندگی اجتماعی و خانواده ای به توفیق دست یافت و سنت های کهن تر سیاسی سایر مناطق -ولو به نام اسلام- کماکان تحت تأثیر نظام های خود کهنه و پانصدساله باقی ماندند. بنابراین در طول قرون متعددی شاهد تکرار درونمایه انقلاب در اشکال مختلف بودیم؛ در قالب این احساس که تاریخ به استیلا و رقم خوردن داشته است، اینکه اسلام دچار تحریف شده است، اینکه افراد غیر مسلم، مسلمان ناشیست و خفتن به میراث پیغمبر بر مسند قدرت نشسته بودند و کل جمله مسلمان را به پرنگاه گنه و معصیت رهنمون شدند و سرانجام اینکه بر مسلمین است که با طاعت این گونه حکومت ها را سرنگون و رژیم جدیدی را جایگزین رژیم منحوس سابق کنند.

یک ویژگی آشنای انقلاب ها همین است که فرسوده و روسیه - همان تیش و اصطکاک بین عقاید میانه روها و افراطیون است. ژیرنون ها و ژاکوبین ها در فرانسه و منشویک ها و بلشویک ها در روسیه، برخی مورخان تفاوت های مشابهی از این دست را در انقلاب های اسلامی تبارک گذشته پیدا کرده اند و حتی گروهی این قبیل تئیس ها را در انقلاب ایران نیز شناسایی کرده اند. ولی باید گفت که تنش و تفاوت میان موضع میانه روها و تندروهای افراطی اصولاً محمول تاریخ غرب نیست و به کارگیری این تمایز در مورد انقلاب اسلامی ایران شاید موجب گمراهی شود. شاید توصیف در دستر این قضیه در مورد انقلاب اسلامی، تنش بین نظریه پردازان و عمل گراها باشد. منظور از نظریه پردازان کسانی است که به رغم تمام مشکلات و موانع بر حفظ و صیقلی از آموزه ناب انقلاب (به زعم خویش) تأکید می ورزند در مقابل عمل گراها کسانی هستند که به محض کسب قدرت و درگیر شدن در جریان حکومت (چه در داخل کشور و چه در خارج) مصالحه کردن را نیز گاه ضروری احساس می کنند. این گروه حتی برخی اوقات آموزه های انقلابی خود را هم اصلاح و تعدیل می کنند یا به آرمی و به دور از چار و پنجالی از برخی آنها چشم می پوشند.

تنش میان مخالفان و موافقان مصالحه را می توان در سراسر تاریخ اسلام از عهد صلحیه پیامبر تا پیروان آیت الله خمینی -یا یافت. این تنش در زمان انقلاب شدیدتر می شود. هر یک از طرفین امتیازات و مزیت های خاص خود را دارند. نظر به پردازان از انقلابی به تروریزان تأثیر گذار تر، چنانچه قوی تر و حمایت مردمی بخیزون تر بهره مندند. تند در مقابل عمل گراها توانایی بیشتری برای مواجهه با مشکلات عملی حکومت در داخل و خارج دارند و بخشی از عمل گرایان آنها همین است که از رویارویی و درگیری مستقیم و بی پرده با نظریه پردازان اجتناب کنند. وقتی در این مهم ناکام می شوند و بین آنها و نظریه پردازان برخورد پدید می آید میدان نبرد راه به توان جلب حمایت مردمی نظریه پردازان می یازند. ترغیب توده مردم برای حمایت از اهدافی نظیر مصالحه با عراق، بهره روابط با ایالات متحده آمریکا یا کند کردن روند تحول انقلابی، کار سهیل و آسانی نیست. به فراموشی در کل عمل گراها مساوی است با سرکوب شدید آنها. به طوری که عقابت کارشناسان به تبعید زندان یا مرگ می انجامد. در این حالت نظریه پردازان بر مسند قدرت می نشینند و چون مشکلات عملی دولت (حکومت) باقی می ماند گروهی از عمل گرایان جدید

از همان نسل نظر به پردازان ظاهر می شوند و شش و بر خورد تجدید و تکرار می شود. این روند تا خاموش شدن آتش شور و احساسات انقلابی ادامه می یابد و سپس عمل گرایان باقی مانده موفق می شوند به قدری ستم سبس حکومت داری به حالت طبیعی خود بازمی گردند و نظریه پردازان به دنبال خود بازمی گردند. در سال های اخیر، چنین رسم شده است که برای اشاره به طیف وسیع حکومت های اسلامی جنگ طلب (خود افراطی و خواه محافظه کار) از لفظ غربی جنید گرا (استفاده می شود. این اصطلاح از زبان انگلیسی به دیگر زبان های اروپایی انتقال یافته و در سال های گذشته حتی به زبان عربی نیز ترجمه شده است و مسلمانان سکولار شده برای توصیف هموطنان مسلمان و ستیزجوی خودشان را به کار برده اند. به رغم رواج آن، واژه بنیادگرا اصلاً نادرست و گمراه کننده است. جنید گرا و ازادای است که خاستگاه آن به امریکای اوایل قرن بیستم بازمی گردد که در آن زمان برای اشاره به برخی گروه های پروتستان به کار می رفت که به رغم نفوذ روزافزون الهیات لیبرال و مطابقت نقلیه انجیل، بر اعتقاد خود به خاستگاه الهی و خطاناپذیری متن کتاب مقدس تأکید فراوان می کردند. اما مسلمانان بنیادگرا با این قبیل افراد تفاوت دارند. اصولاً همه مسلمانان به خاستگاه الهی و خطاناپذیری متن قرآن ایمان دارند هیچ مسلمانی در چهار چوب دین اسلام به چیزی غیر از این اعتقاد نداشته و ضمناً وجه تفاوت مسلمان بنیادگرا با معتدیان مسیحی خود یا با دیگر مسلمانان در پایبندی گروه نیست. به فلسفه فمدرمی و قانون داری آنها نیست. اسلام خمینی در فتاوا از خلافت کالی های شده به ازادسازی زنان، به روش غربی و تسهیم قدرت سیاسی یا غیر مسلمانان اشاره کرد. دیگر طرفداران جریان اسلامی سازی مجده در مصر و سایر کشورهای از چنین خلافت کالی هایی شکایت داشتند. نزد اکثر این افراد، جدال با دشمنان خارجی مایه محرف افکار است. دشمن واقعی درون خانه است و جنگ با دشمن خارجی پس از شکست دشمن داخلی ضرورت می یابد. به عقیده طرفداران انقلاب اسلامی ایران، مقطع نخست از جنگ (جدال با دشمن داخلی) انجام شده و مقطع دوم در حال اجراست. در سایر کشورهای اسلامی، مراحل اول هنوز انجام نشده است. شرح و تاریخ اسلام دشمن خارجی ای را که ایران اکنون با آن مواجه است، تعریف و شناسایی کرده است. بشر در متون مقدس کلاسیک اسلام - که نمایانگر جهان بینی مسلمانان هم هست - به قسمت تقسیم شده است. افراطی اسلام و دلگرا که با دار الحسبه از حیث تاریخی، دل العرب در ذهنیت مسلمانان همان عالم مسیحیت و بعدها اروپا و در عصر کنونی، غرب است. کفار و مشرکان در شرق و جنوب جهان کلاسیک اسلام پراکنده بودند مانند هند و چین که فرهنگ مادی گراتری دارند. در سپنج دنیای

غرب بود که استیلا و اقتدارش در تمدن جهانی و قدرت جهانی آن - که توان رقابت با اسلام را نداشت - نمود یافته. قرن ها تنش - جهاد فتح کشور گشایی مجدد و هجوم مسلمانان به اروپا و هجوم اروپا به اسلام این ذهنیت را تقویت کرد. اگر در آن زمان، عالم مسیحیت و دنیای غرب رقیب اصلی اسلام بود، دشمن دیرینه اسلام کسی بود که در قامت قدرت برتر جهان قد علم می کرد. در آن زمان، امپراتوری روم و بیزانس و سلطه گران اروپا و امپراتوریات متحده آمریکا که به بیان عام خمینی، تسطین بزرگ است. آمریکا قدرت برتر و غالب غرب و منابع و تکیه بر ارزش های غربی است. تاوان این راهبری، تفرقه است. آمریکا می تواند با تغییر تمدن این - که البته پیشنهاد جدی ای نیست - با اثر ک نقش راهبری در جهان و رجعت به نقش سابقا کیهامیت و بی خطرش خود را از شر این تفرقه جهانی خلاص کند. البته ممکن است جهت گیری دیگری هم وجود داشته باشد و آن اینکه برخی و هبران مسلمان ترغیب و متقاعد می شوند که غرب با عالم مسیحیت، دیگر خطر جدی و دشمن اصلی نیست بلکه یک مسلک و قدرت دیگر است که تهدیدی به مراتب جدی تر را فرآوری آنها قرار می دهد.

اگر چه برخی رویانها سرچ این نوع جهت گیری از سوی مسلمان نیست اما گروهی از رهبران مسلمان توجه خود را به آن معطوف کرده اند. البته اکثر آنها علناً یا غرب را - که منشأ تفرقات و دیگر گونی های عظیم عصر کنونی در ممالک اسلامی و مسیحی تضعیف شده اسلامی زندگی بوده - به مراتب اصلی تر و این تر می دانند. اصولاً هدف انقلاب اسلامی ایران (نویه این انقلاب در سایر ممالک اسلامی) همافزودن جمیع آثار کفر و بی دینی است که در دوران سلطه نیروهای بیگانه بر زندگی مردم مسلمان و کشورهای مسلمان نشین تحمیل شده هدف بازگرداندن نظم و روال رستین اسلامی به ممالک مسلمان است. نظم و نسقی که در روزگار پیامبر و صحابه ایشان در ممالک مسلمان رواج داشت. انقلابیون ایران نیز مانند انقلابیون فرانسوی و روس در عصر خویش، در برابر مخاطبان داخلی و بین المللی ایضاً نقش کردند انقلاب ایران افراد بسیاری را حتی در خارج از مرز های ایران - که به لحاظ فرهنگی و جوه اشتراک داشتند -

شبهه خود ساخته پدید می آید. بیشترین چنانچه انقلاب اسلامی ایران برای جماعت شیعه در جنوب لبنان و

کشورهای حوزه خلیج فارس - یهود و این گمراهی همچنان در بخش های گمراه تری از جهان اسلام که شیعه در آن نشناخته است نیز قوی خواهد ماند. در این میان اختلافات فرقه ای اهمیت چندانی نخواهد داشت. امام خمینی زامی توان در قالب های شیعه یا اهل بیت ندید و او را یک رهبر انقلابی اسلامی قلمداد کرد. درست همان طور که میلیون ها غربی در روزگار خویش با شور و اشتیاق فراوان به رویانهای پاریس و پترو گراد علاقه نشان می دادند (و این رویانها دنیا را اکنون داده میلیون ها زن و مرد جوان و میانسالی از گوشه و کنار جهان اسلام - از غرب آفریقا گرفته تا قفقاز و آسیای میانه - از کوزوو و سارایوو - و اخیراً از میلیون ها مهاجر مسلمان و کارگر مقیم در اروپای غربی به انقلاب ایران و آتش مشیت نشان دادند. سارایوو در این بین یک میره استثنایی است. سارایوو وجود جمعیت مسلمان نشین شهری اروپایی در کشور است که کمونست ها مدت ۲۵ سال بر آن حکومت کردند. با این همه، چنانچه و گیرایی انقلاب اسلامی ایران به قدری بود که روزنامه ها و جراید پر کسلازی خبر محاکمه مردان منجم به توطئه برای براندازی رژیم و تلاش برای برقراری جمهوری اسلامی در بوسنی را منتشر کردند. بار دیگر می شود به این نکته اشاره کرد که وجه تشابه بسیاری میان رخدادهای جهان اسلام در روزگار کنونی با رویدادهای پس از وقوع انقلاب فرانسه و روسیه وجود دارد. همان ظلم و جوشش احساسات و همان شوق و نشاط دل ده همان ایده های بی کران و میل به بخشودن تمام جلوه های وحشت آفرین و همان پرش های قدیمی بعد از این چه می شود؟ چه کسی در سال های ۱۷۹۵ یا ۱۷۹۸ می توانست گسترش افروزی تر انقلاب فرانسه یا انقلاب روسیه و عقابت ناپلئون با استالین را پیش بینی کند؟ من هم نباید در مورد ایران چنین کاری کنم. فقط این قدر می توان گفت که آنچه اکنون در ایران جریان دارد تغییر و تحولات گسترده عمیق و برگشتناپذیر پدید خواهد آورد و هنوز نیرو و توان عوامل تحول آفرین تحلیل زرفنه و مفصلشان نامشخص است.

در جمعه در هاد در همدان
آی نوشتند:
1- (Dobro) سبش کلاسیک زایی که با رقص آواز و موسیقی همراه است. تکه این نمایش به افرین ۱۲ و ۱۵ میلادی بازمی گردد.
۲- خلیج عروستی که شعبه های آن ای تالی و ختم جودی دهم در حال دعوا و کتک کاری هستند.
۳- حبش چه گرای چریکی که لوگو گونه که در سال ۱۹۷۲ توسط دشمنی به نام رول سنسنگ به راه افتاد و توسط دولت فلسطین وقت (۱۹۸۵-۱۹۷۲) به رکوب شد.

